

زیگورات چغازبیل

الف - کشود عیلام

نظر باینکه زیگورات
چغازبیل یکی از بنای‌های مهم
عیلامی است مناسبت دارد قبل
مجملی از تمدن عیلام شرح داده
شود تا خوانندگان ارجمند
باشند بدأ با این تمدن و
فرهنگ شگرف و کهن آشنا
شوند.

بیست و سوم

محمود کردوانی

موقعیت طبیعی و وضع
اجتماعی - فلات ایران با آب و
هوای گوناگون و دره‌های عمیق
حاصله‌خیز چون مثلثی است که
ما بین خلیج فارس و دریای خزر
واقع گردیده و رشته کوه‌های
بلندی که در دوره میوسن^۱
وجود آمده آن را احاطه کرده
است کوهستانهای مذکور چون

۱- یکی از دوره‌های دوران سوم زمین شناسی است Myocen

دیواری گردانید فرورفتگی مرکزی که در حال حاضر بیابان خشک و بی آب و گیاهی است قرار دارد. رشته کوههایی که از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده است بیش از هزار کیلومتر طول و دویست کیلومتر عرض دارد و بنام زاگروس خوانده میشود. چینهای موازی این سلسله جبال دره های سبز و خرمی را بوجود آورده که مرکز نشوونمای تمدن های مختلف این قسمت از نجد ایران بوده است. کوههای شمالی که البرز نام دارد در امتداد کرانه منحني شکل دریای خزر کشیده میشود و ناحیه سبز و خرم ساحلی را از مناطق خشک مرکزی مجزا میکند. البرز سراسر ضلع شمالی فلات ایران را در میورد دارد، سپس به جبال هندو کش در افغانستان می پیوندد و از سمت غرب نیز به کوههای زاگروس متصل میشود. از ملتقاتی این دو رشته و مجموع گره خوردگهای ارتفاعات شمالی و غربی سرزمین آذربایجان ایران شکل میگیرد این خطه شاهد مهاجرت و اقامت اقوام مختلفی چون مانها، مادها پارسها و ترک و تاتارها بوده است. مادها از این ناحیه بر خاسته اند و پارسها نیز قبل از مهاجرت به جنوب ایران سالیان متمادی در این منطقه متوطن بوده اند. رشته های فرعی البرز در خراسان چندان ارتفاعی ندارد و دارای گذرگاههای سهل - العبوری میباشد و دو میان مدخلی است که مهاجران و مهاجمان از آن بداخل نجد ایران نفوذ کرده اند با این تفاصیل میتوان نتیجه گرفت نجد ایران که از بیابانهای لمیزرع و کوهستانهای صعب العبور تشکیل شده است. ظاهرآ نبایستی مورد علاقه و تهاجم اقوام خارجی قرار گرفته باشد. لیکن یورشها و مهاجرتهای اقوام مختلف خلاف این امر را بشیوت میرساند. چه از اعصار ما قبل تاریخ میهن ما بواسطه موقعیت ممتاز طبیعی به پای میمانست که آسیای مرکزی را به آسیای غربی متصل میکرد و نقش واسطه های بین تمدن و فرهنگ خاور دور و نزدیک را بعده داشت. ساکنان فلات ایران توانستند دیرزمانی آزادی و صیانت خود را حفظ کنند و در نتیجه برقراری روابط اقتصادی و اجتماعی با همسایگان شرقی و غربی وضع تثییت شده ای برای ساکنین داشت

بین النهرين بوجود آورند. کوهپایه نشینان ایران گاهی راهنمای جنگجویانی بودند که میخواستند بمنظورهای سیاسی و اقتصادی بر کوهستانیان چیره شوند و با کمک این راهنمایان میتوانستند از راههای دشوار و معابر سخت زاگروس بگذرند.

آسانترین و صعبالعبور ترین راهی که در این قسمت قرار داشت راه بغداد کرمانشاه - همدان امروزی بود. این راه سالیان متعددی مورد استفاده آشوریها قرار گرفت و سرنوشت چنین مقدار داشت که ساکنان کوهپایه‌های ایران از همین راه تهاجم خود را بجلگهٔ بین النهرين آغاز کنند واز کوهستانها بدشت سرازیر شده پرستند گان آشور را قلع و قمع سازند.

حوالی و محدودهٔ شرقی و جنوب شرقی ایران تقریباً غیرقابل عبور بود. اقوامی که در این نواحی سکونت داشتند در اعصار ماقبل تاریخ ایران توانستند رابطی بین تمدن‌های ایران و هند باشند و همین ارتباط مسالمت آمیز زمینه مساعدی فراهم ساخت تادر قرون بعد داریوش بزرگ بتواند دره هند و پنجاب را به قلمرو شاهنشاهی هخامنشی منضم سازد.

مرزهای جنوبی ایران بعلت هوعیت خاص جغرافیائی یعنی مشرف بودن بدریا و سایر علل اقلیمی تاحدی‌مانع از این بود که ساکنین نوار ساحلی به آسانی روابط اجتماعی خود را با قوم مهاجر فلات ایران برقرار سازند.

رشته‌جبل زاگروس همیرخود را در امتداد خلیج فارس ادامه میدهد و سد و حائلی بوجود می‌آورد که عبور از آن برای ساکنین اولیه نجد ایران دشوار بود تنها معتبر سهل و آسانی که فلات ایران را بسواحل خلیج فارس و جلگه بین النهرين مربوط می‌ساخت دشت خوزستان بود. رشته‌های فرعی کوههای زاگروس این جلگه‌هارا نیز محاصره می‌کنند و دنباله ارتفاعات آهکی آن که در دورانهای بسیار قدیم تشکیل یافته است تا کرانه‌های خلیج فارس ادامه می‌یابد. قله کوههای شمال‌شرقی این جلگه محاط شده پوشیده از برف می‌باشد و سرچشمه رودخانه‌های متعددی است که این دشت حاصلخیز را سیراب می‌سازد.

دورشته از این رودخانه‌ها که نزدیک بهم جریان دارد یعنی دز و گرخه تقریباً بهم موازی بوده و از مرکز خوزستان میگذرد. بطوریکه در فاصله چند کیلومتری بزمت از هم فاصله میگیرد - کرخه بطرف جنوب غربی جریان می‌یابد و دز مسیر خودرا بسوی جنوب شرقی ادامه میدهد و بسویین رودخانه خوزستان یعنی کارون می‌پیوندد. در محلی که رودخانه کرخه به دز خیلی نزدیک میشود و در کنار رودخانه‌شاور در دوران باستان شهری بزرگ و عظیم بوجود آمد که در تاریخ ایران و بابل و عیلام بنام شوش معروف است و تمدن عیلام از همین نقطه نصب گرفت. شوش بزودی مدنیت دنیای قدیم را پذیرفت و در اقوام وطوابیف بدروی و نیمه بدروی مؤثر افتاد. شهر شوش که امروز بصورت تپه و تلهائی چند درآمده است مرکز کشور عیلام بوده و پس از آن هنگامیکه حدود ایران در عصر هخامنشی از دره سند قادریای مدبیرانه گسترش یافت شوش چون دارای موقعیت ممتاز و راه ارتباطی مناسب بود از این راهها بسایر پایتختهای شاهنشاهی ایران چون هگمتانه (همدان) و تخت جمشید و بابل هنگی میگشت پایتخت و مرکز اداری کشور شد.

البته نباید تصور کرد که گذشته طولانی و مفصل عیلامیان تنها در شهر شوش خلاصه میگشته است. چه عیلامیان مردمانی کوهستانی بودند و تمدن اولیه آنان باید در دامنه کوهها و دره‌ها تشکیل شده باشد و شوش به تنهائی نمیتوانست نقش اساسی را در تاریخ عیلام ایفا کند. گمان می‌رود ناحیه انسان یا ازان که ظاهرآ شامل قسمتهای شرقی و شمالی خوزستان و نواحی مرکزی و مغرب و جنوب فارس بوده است در تکوین و تکمیل این مدنیت سهم بیشتری داشته باشد مضافاً باینکه آب و هوای شوش این منطقه را از نظر سیاسی در درجه دوم اهمیت قرار میدهد زیرا مدت نه ماه از سال جلگه شوش کاملاً گرم و دارای حرارتی طاقت فرساست و نظر استرا ابن را که میگوید «سوسمارها و مارها نمیتوانند در موقع ظهر در کوچه‌های شوش بخزنند مگراینکه از حرارت آفتاب وزهین غلافکن شوند» تأثید میکند.

کشور عیلام شامل خوزستان، لرستان، کوههای بختیاری و قسمتی از فارس بود و از دو قسمت جلگه و کوهستانی تشکیل میشد. بخش جلگه‌ای آنرا دشت خوزستان تشکیل میداد که بوسیله رودخانه‌های نسبتاً پرآبی چون کارون و دز و کرخه آبیاری میکشت و از دیر باز برای کشاورزی و دامپروری مناسب بود و در نتیجه برای پرورش و بی ریزی تمدنی بزرگ زمینه مساعدی فراهم می‌ساخت.

قسمت کوهستانی عیلام را واراشی میگفتند^۲ که دارای جنگلهای انبوه و منابع احجار قیمتی و دره‌های سرسبز و حاصلخیز جهت پرورش اسب و کشاورزی بود مرکز این ناحیه شهر شیماش نامیده میشد که حوالی خرم‌آباد کنونی قرار داشت و پادشاهان محلی عیلام در آنجا سلطنت میکردند.

آنچه مسلم است عیلام میان از هزاره چهارم قبل از میلاد در شوش ساکن بوده و تا آنجا که مدارک کتبی نشان میدهد از دوهزار و شصده و هشتاد و پنج سال قبل از میلاد پادشاهان عیلام در این نواحی سلطنت میکرده‌اند و این پادشاهی تا سال ۶۴۰ قبل از میلاد ادامه داشت و با حمله آشوریانی پا به رای همیشه از صفحه تاریخ محو گردید لیکن طولی نکشید که قوم و دولت عیلام جزئی از شاهنشاهی هخامنشی را تشکیل داد.

تحقیقات و کاوش‌های باستان‌شناسی در شوش ثابت میدارد که قبل از غلبه عناصر سامی بر بین‌النهرین این قسمت از کشور ما دارای تمدنی بزرگ و با رور بوده است. باید یاد آور شد که تاریخ بین‌النهرین عبارت از مهاجرت اقوام و نژادهای گوناگون بدین سرزمین اختلاط و امتزاج آنها بایکدیگر میباشد و تا آنجا که میدانیم سو مریها اولین ملتی بودند که در این منطقه تمدنی عمیق بنیان نهادند.

اصل و منشأ این قوم بتحقیق روشن نیست طی حفریاتی که بوسیله پوم‌پلی در نزدیک عشق‌آباد صورت گرفت در گورکان انو^۳ اشیائی بددست آمد که

شباهت زیادی بکار هنرمندان سوهری و عیلامی داشت در نتیجه این عقیده قوت گرفت که منشأً دو قوم عیلام و سومر محتملباً بایستی کوهستانهای شمالی ایران باشد و این اقوام بعلتی که از آن جمله شاید بتوان مهاجرت اقوام ناشی را پنداشت، بطرف جنوب غربی و مغرب ایران رانده شده و ناگزیر در کرانه‌های کارون و فرات مسکن گزیدند موقعیت شهر نیپور^۴ هر کز سومر نیز این نظر را تأیید میکنند زیرا این شهر در محلی قرار دارد که واسطه‌بین فلات ایران و جلگه بین النهرین محسوب میگردد.

شرق شناسان از آن جمله ادوار می‌بر^۵ طی بررسیهای مفصلی باین نتیجه رسیده‌اند که سوهریها قبل از مهاجرت سامیان به بین‌النهرین، گذشته‌ای تابناک و در خشان داشته‌اند و تا آنجا که کاوشهای علمی نشان داده است پیش از تشکیل دولتهای سامی نژاد در بین‌النهرین، سومر و عیلام دارای روابط اجتماعی و سیاسی بایکدیگر بودند.

عیلامی‌ها کشور خود را حاتمان تی می‌نامیدند که بمعنی کشور حاتمان هاست. حفریات باستان شناسی مدلال می‌سازد که از هزاره چهارم قبل از هیلاج عیلامیان در این نواحی متوطن بوده‌اند و احتمالاً ساکنین بومی خوزستان محسوب می‌شوند. زیرا قرائن و اماراتی موجود است که عیلامیان از شعبه نژادهای سامی و آریائی نبوده‌اند. گرچه زبان عیلامی با علامت می‌خی با بلی نوشته می‌شد اما تا کنون درست شناخته نشده و هنوز بدرستی کلید کشف رمز آن بدست نیامده است از متن گل نوشته‌ها و لوحه‌های مکشوفه عیلامی آنچه تا کنون خوانده‌اند مطالب جزئی قابل استنباط است.

از کاوشهای اخیر بخوبی در ک می‌شود که تمدن عیلام بهم خود در تکامل و سیر تمدن بشری نقش خلاقه‌ای همانند تمدن‌های سوهری و بابلی ایفا کرده. سهم ارزنهای را بخوبی به تمدن و فرهنگ جامعه بشری عرضه نموده است. گذشته از آن عیلامیان در تمام طول تاریخ خویش با دولتهای سومر واکد و

بابل و آشور برای حفظ حدود و نفوذ کشورشان در جنک و ستیز بودند. بحق میتوان این قوم را اولین پادشاهان مرز و بوم ایران نامید زیرا اینان قرنها کشور هارا از نفوذ عوامل بیگانه محفوظ نگهداشتند و با تمدن عمیق خود گهواره جنبان فرهنگ و هنر باستانی ایران بودند.

ب - مذهب عیلامیان

مذهب این قوم بر پرستش خدایان متعبدی استوار بود. برخی از این خدایان بمذاهب جلگه بین النهرين تعلق دارد. علت این امر نیز واضح است. چه ملتهای همسایه گاهی تابع و زمانی متبوع یکدیگر بوده و باهم روابط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی داشته‌اند.

متأسفانه آثار و نوشهای باقیمانده عیلامی که بزبانهای اکدی و سومری و بابلی تنظیم شده گذشته از نوشهای شیله‌اک اینشوشنیاک^۶ که مربوط به قرن دوازدهم قبل از میلاد می‌باشد. دیگر نوشهای بطور کلی مربوط باخت蔓 معابد و کاخها و نامهای تشریفاتی شاه و کسان وی بوده و هزارک و اسناد تاریخی آن بسیار اندک است. هقداری اسناد دولتی و صور تحسابهای مالی و اقتصادی نیز که بزبان عیلامی نگاشته شده و از شوش بدست آمده است به دورانهای نخستین شاهنشاهی هخامنشی (قرن ششم قبل از میلاد) تعلق دارد. همچنین هقداری گل نوشه هر بوط بقرنهای پنجم و ششم قبل از میلاد از تخت جمشید کشف شده که همگی شامل اسمی خاص است و منشأ و ترکیب نژادی ممل مختلف شاهنشاهی هخامنشیان را مشخص می‌کند.

بر روی کتیبه‌ها و گل نوشه‌های مکشوفه از زیگورات چغازنبیل تنها اسمی خدایان دیده می‌شود و بطور کلی از خلال این آثار میتوان تا اندازه‌ای وضع مذهبی عیلام را بررسی کرد.

متأسفانه عیلامیان اسماء بعضی از خدایان را ننوشه بلکه بوسیله

ایدئوگرامهای زبان اکدی آنها را مرقوم داشته‌اند مثلاً نام خدای آفتاب که بزبان سامی شیماش تلفظ می‌شود در زبان عیلامی معلوم نگردیده بلکه بهمان طریقہ سامی در کتیبه‌های عیلامی تکرار شده است.

از خدایان متعدد عیلامی دو تن در نوشته‌های سلطنتی و عادی از همه برتر و بالاتر بودند یکی هومبان^۷ و دیگری این شوشیناک^۸ نام خدای اول بوسیله خط نشانه‌ای اکدی ذوشه می‌شود و بمعنی (برتر از همه) است و این شوشیناک (آقای شوش) معنی میدهد معهداً غالب فرمانروایان عیلام در آثار خود علاوه بر این دو خدا مکرراز الله گیری ریشا^۹ بعنوان ربة النوع مادر نام برده‌اند. طی حفريات شوش و چغازنبيل صدھا مجسمه از اين الله بدست آمده است و اين مطلب هيرساند که اجتماع عيلام قلباً برای اين ربة النوع احترام فراوانی قائل بوده است.

ج - زیگورات چغازنبول - از نظر لغوی زیگورات از دو کلمه زاگار کار ترکیب می‌شود که مکان خداوند معنی میدهد^{۱۰}. بنابر معتقداتی که از قدیم وجود داشت این گونه امکنه مقدس نباید با اختمنهای معمولی مردمی که فنا می‌شوند و از بین میرونند شبیه باشد. بلکه محلی است که اموات در آنجا مدفون هستند و در آنجاباقی می‌مانند. بهمین مناسبت زیگورات مکان جاودانه ارواح و پرستشگاه ابدی آهاست.

این نوع ابینه از آغاز مدنیت اقوام مختلف جلگه بین النهرين وجود داشته است . ابتدا سومریها و سپس بابلیها و آشوریها با ساختن چنین بنایهای پرداختند . عیلامیان که مذهبشان از نفوذ همسایگان بر کنار نبود بايجاد زیگورات چغازنبيل همت گماشتند و چنانکه ذکر خواهد شد ذوق وابتکار خاصی بکار برداختند و آنرا از زیگورات های مشابه در بین النهرين هتمایز ساختند .

7-Humban 8-Inshushinak 9-Giririsha

۱۰ - مقاله گيرشمن در جلد سوم باستان‌شناسی - معنی اين کلمه را آقای رومن در اختیار تو ويسته گذاشته اند.

در تورات نیز برج معروف بابل توصیف شده است که علم باستان شناسی این برج را یک زیگورات هیشناسد و آن بنایی است چند طبقه که طبقات بالا بترتیب از طبقات پائین کوچکتر است.

در میان کتیبه های مکشوفه از کاوش های باستان شناسی یکی از آنها که بنام لوح ازادیل^{۱۱} معروف است و در موزه لوور نگهداری می شود زیگورات بابلی را شرح میدهد و هارا با چگونگی آن تاباندازه ای آشنا می سازد و از این لحاظ حائز کمال اهمیت است هنر اسفانه هست کامل کتیبه آن تا کنون خوانده نشده است و در عوض زیگورات چغازنبیل اطلاعات جدیدی در مورد شناسائی زیگوراتها با اختیار باستان شناسان می گذارد.

زیگورات چغازنبیل به مسافت چهل کیلومتری جنوب شرقی شوش پایتخت عیلام قرار دارد و در آن روزگار در نیمه راه پایتخت شوش و شهر هیدالو^{۱۲} (شوستر کنونی) واقع بود و کاروانها میتوانستند از شوش و هیدالو یک روزه این مسافت را طی کنند.

یکی از شاهان سلسله ایگه هالکی^{۱۳} عیلام بنام او نتاش گان^{۱۴} که در حدود ۱۲۵۰ قبل از میلاد سلطنت می کرد مصمم شد در نزدیکی شوش و کنار رودخانه دز مر کز دینی بزرگی ایجاد کند که در هنگام جشن های بزرگ محل نیایش و زیارتگاه عمومی باشد او نتاش گان می خواست این شهر که دوران تاشی نامیده شد بسیار مجلل و بزرگ باشد تا هم موجب رضای خدایان گردد و هم ملت عیلام خشنود شود . به مین منظور در مر کز شهر یک زیگورات یا برج بابل احداث کرد اما هرگز نتوانست ساختمان آنرا با تمام بر سازد . دلیل این ادعا آجرها و میخهای سفالی کتیبه داری است بنام او نتاش گان که در طی کاوش های زیگورات از دو اطاق بدست آمده و هنوز کار گذاشته نشده بود .

(سلسله چهارم پادشاهی عیلام)
11 – Esagil 12 – Hidalu 13 – Igehalki
14 - Awntashgah]

شهرسازان و مهندسین عیلامی که بفرمان او نتاش گل ۱۵ مأمور ساختن این شهر مذهبی شدند مجبور بودند مطابق میل و دلخواه وی کار خود را آغاز کنند و برای سهولت از شکل طبیعی زمین پیروی کردند و دیوار خارجی شهر را که پیش از چهار کیلو متر طول دارد و یک کثیر الاضلاع منحنی غیر منظم را تشکیل میدهد در امتداد اطلال طبیعی بنا کردندو با مهارت کم نظیری جهت استحکام دیوار از این تپه ها استفاده نمودند. هر کز شهر را محل مقدس (تمنس^{۱۶}) اشغال کرده و این قسمت بوسیله یک دیوار محاط از سایر قسمتهای شهر جدا شده است در پشت این دیوار معابد خدایان سی گانه عیلام قرار داشت و بین دیوار دوم و سوم که تمام شهر دورانشی در آنجا واقع میگشت اهالی ساکن بودند.

قاعده بنای زیگورات مرربع شکل است و طول هر ضلع آن ۱۰۵/۲۰ هتر میباشد و در اصل دارای پنج طبقه و بارتفاع ۵۳ متر بوده که در حال حاضر فقط ۲۵ متر آن باقی است و شامل سه طبقه میباشد. طبقه پنجم که بر فراز معبد قرار داشت به این شوشیناک خدای اصلی و عمدۀ عیلام متعلق بود. این خدا هنگامی از آسمان به زمین میآمد تا مردم او را ستایش کنند. در این منطقه مسکن میگزید بنابراین زیگورات نقش پله کانی را داشت که زمین و آسمان را بهم فزدیک میساخت. روسازی بنای زیگورات را آجر های بزرگی به ابعاد مختلف تشکیل میدهد.^{۱۷} بطور کلی اسکلت بنا شامل چند حجم

۱۵ - دورانشی که بهمنی شهر او نتاش گل است در کتبه های آشور بانی پال از آن ذکر شده و در هفتینین یورش این پادشاه آشودی ویران گردید آقای دو مکنم دمیس سابق هیئت فرانسه در شوش برای اولین بار این اسم را شناخت بعد آقای پرشل خط شناس معروف فرانسوی آنرا تأیید کرد.

16 - Temenos

۱۷ - بنا بر تحقیقات آقای د. مکنم آجر های زیگورات چهار نیل عموماً بزرگتر و روشنتر و نیجه تر از سایر آجر های عیلامی است و دارای اندازه های متغیر است که ضمناً مشخصات چند آجر را که توسط داشمند مذکور تهیه شده است جهت مزید اطلاع علاقمندان بمنظر میرساند.

ساختمانی است که درون هم قرار دارد بطوریکه هر قدر بطرف بالا میرود حجمها کوچکتر میشود^{۱۸}. در نتیجه حفاری چغازنبیل این اصل پذیرفته شد که ساختمان زیگورات در یک مرحله انجام نشده بلکه ابتدا دو طبقه چهار ضلعی با یک فضای آزاد در وسط آن احداث گردیده است و یک ردیف اطاوهای دراز و باریک دور این صحن وجود داشت که درب آنها بطرف صحن یافضای آزاد باز میشد. و در مرحله دوم سایر طبقات را از کف زمین ساخته و فاصله افقی طبقات را با خشت پر کرده اند. تا پیش از کشف و خاک برداری زیگورات چغازنبیل باستانشناسان معتقد بودند که زیگورات مر کب از چند طبقه است و هر طبقه بر روی طبقه زیرین بنا شده است. لیکن با یک قول آزمایشی که در ضلع شمالی زیگورات چغازنبیل زده شد مشخص گردید که هریک از حجمهای طبقاتی بر روی زمین بکر ساخته شده و کلیه طبقات از یک عمق و سطح بنیاد گشته است و مانند چند جعبه درون یکدیگر جای دارند و هر طبقه داخل طبقه دیگر محصور شده است بطوریکه ۴ متر از طبقه پنجم درون طبقات دیگر جای داشت و فقط ۹ متر آن که قسمت بالای این طبقه بود دیده میشد بهمین جهت پروفسور ملوان^{۱۹} باستانشناس معروف انگلیسی در موقع بازدید چغازنبیل و پی بردن بدین راز گفت «حالا باید تمام زیگوراتهای حفاری شده از نو حفاری گردد» معماران زبردست عیلامی طبقات پنجگانه زیگورات را بدقت و حساب شده انجام داده اند بطوریکه با تمام عظمت، فشاری بر پایه ها وارد نشده است.

بقیه از صفحه مقابله

۱ - آجر بنام ایشمہ کراب - $5/7 \times 31/7 \times 31/7$ سانتیمتر

۲ - آجر بنام گیری ریشا $7 \times 3/3 \times 3/3$ سانتیمتر

۳ - آجر بنام گیری ریشا $7/7 \times 5/34 \times 5/34$ سانتیمتر

۴ - آجری بنام شوشیماک $9 \times 2/37 \times 2/37$ سانتیمتر

۱۸ - ارتفاع حجم مرکزی که طبقه پنجم را تشکیل میداد از طبقات دیگر بلندتر بود طبقه زیرین که حجم اول زیگورات را تشکیل میدهد یک متر بلندی و سه متر پهنای دو طول هر ضلع آن $105/20$ متر است محیط اصلی ساختمان را همین طبقه تشکیل میدهد

19 - Mallowan

در چهار ضلع این طبقه پلکانهای طبقات پنجگانه را بهم متصل می‌سازد. طبقه دوم دارای ۱۶ متر پهنا و ۸ متر بلندی است. در این طبقه اطاقهای باسقف هلالی وجود داشت این اطاقهای در طول اضلاع شمال غربی و جنوب غربی و جنوب شرقی واقع بود و عرض آنها به ۲/۱۰ متر و طول هر کدام به ۱۰/۸ متر میرسید. اطاقهای مذکور بهم راه نداشت و پلکانهای جداگانه‌ای مدخل هر کدام بوده است برخی از اطاقهای طبقه دوم فاقد پلکان می‌باشد و درب آنها بدروازه‌های طاقدار اصلی که چهار مرتبه تفاسع دارد باز می‌شود. دکتر گیرشمن^{۲۰} معتقد است که اطاقهای پله‌دار مختص قراردادن هدایا و نذرها و اطاقهای فاقد پلکان محتملاً جایگاه برخی از خدایان بوده است.

بواسطه وجود بریدگیهای در طبقات بالا مخصوصاً در جبهه جنوب غربی نمیتوان دانست بطور قطع چگونه بطبقاب بالائی زیگورات میرسیده‌اند. وولی^{۲۱} ترسیم کننده اصلی زیگورات اور^{۲۲} که متعلق به سلسله دوم سلاطین اوراست. پلکانهای این زیگورات را با بریدگیهای جنوب شرقی زیگورات دورانتاشی دورانتاشی (چغازنبیل) مقایسه کرده است و چنین نتیجه می‌گیرد که این دو بریدگی باقیمانده پلکانهای است که قبل و بعد وجود داشته است و از آن بطبقات بالا میرفته‌اند. لیکن آقای دکتر گیرشمن که خود زیگورات دورانتاشی (چغازنبیل) را حفاری کرده این نظر را مردود میداند و معتقد است که بریدگی ضلع جنوب غربی پلکان اصلی زیگورات بوده است و چنین استدلال می‌کند که اگر نظر وولی درست باشد و پاگردی در طبقات مختلف وجود داشته که بپلکانهای منتهی می‌شده است وجود این پاگردی‌های فرضی انسان را مجبور می‌کرده است که راهی طولانی طی کند و پاگردی‌ها را دوربزنند تا به پلکانها برسد بدون اینکه اینکار نقشی در مراسم مذهبی داشته باشد از طرفی پله‌ها از طبقه اول کم عرض می‌شود و احتمالاً فقط عده معددی از پیشوایان مذهبی حق استفاده و عبور از آن را داشته‌اند.

البته معبد پا گردی داشته است که آنهم در حقیقت سکوی محااطی زیکورات میباشد که طبقه اول را تشکیل میدهد.^{۲۳} همانطور که اشاره شدار تفau این سکو یا پا گرد یک متراست و به سه دروازه شمالی و شمال شرقی و شرقی منتهی میگردد. چنین بنظر میرسد که در یک زمان سه گروه میتوانسته اند به موازات یکدیگر بزيارت معبد نائل شونداين سه گروه در اولین مرحله روی سکوهای طبقه اول قرار میگرفتند و سپس به طبقات دیگر میرفتند. بدیهی است که هنوز برای هامش خص نیست چه کسانی این طبقات سه گانه مذهبی را تشکیل میداده اند آنچه که محتمل است این سه گروه از پیشوایان مختلف مذهبی ترکیب میشده که در هنگام تشریفات بزرگ دینی بنابریک رده بندی معین در سکوهای مختلف جای میگرفتند دکتر گیرشمن عقیده دارد مریدان مذهبی از مرز حیاط جلوتر نمیرفتند و جمعیت در حیاط خارجی محل مقدس میایستادند و برخی از پیشوایان مذهبی عملیات مخصوص نیایش را در حضور جموع انجام میداده اند.

سه پا گردی که ذکر آن گذشت ظاهر او جه تشابهی با پا گردهای زیکورات اور دارد در آنجا هم مانند دورانتاشی این سه سکو به سه گروه گوناگون روحانیون که از نقاط مختلف میایمدهند تعلق داشت که در آنجا به طبقات بالا میرفتند لیکن در دورانتاشی صعود از طبقه اول به بعد در انحصار عدد محدودی از پیشوایان مذهبی بوده است:

مدر کی بحسب نیامده است تا معلوم شود نقش پیشوایان روحانی عیلام چه بوده است. لیکن یقیناً وظایف آنان بوظایف پیشوایان مذهبی اقوام بین-النهرین شباهت داشته است از اسم شهر که بروی کتبیه های عیلامی بحسب آمده و از فهرست سالنامه های آشوری چنین آشکار است که پادشاه زیکورات و معابد آنرا فقط وقف خدایان نموده است. در این الواح برابر اسم خدایان ذکری از پیشوایان مذهبی نیست و تنها نام شاه بچشم میخورد. بحتمل که پادشاه علاوه بر حکومت و فرمانروائی پیشوای مذهب و نماینده خدایان نیز بوده است

در شش هزار و پانصد آجر نوشته‌ای که از چغازنبیل بدست آمد هیچ جا اسمی از جانشینان شاهدیده نشده است با اینهمه میدانیم که شیله‌هاک اینشونینا^{۲۴} معبد الهه پنی کیر^{۲۵} را که او ناش گال در شوش ساخته بود تعمیر کرد ولی هیچ‌گونه اقدامی برای اتمام زیگورات دوران‌نشاشی که معبد همین الهه نیز از ضمائم آن بود بعمل نیاورد شوتروک‌ناحونته^{۲۶} و پرسش کو دور ناحونته^{۲۷} معبد الهه گری ریشا در شهر لیان (بوشهر کنونی) را که توسط هومبان نومنا^{۲۸} پدر او ناش گال ساخته شده بود مرمت کردند بدون اینکه توجهی به شهر مقدس دوران‌نشاشی و معابد آن داشته باشند. این بی‌اعتنایی جانشینان او ناش گال خود معماًی است که هنوز لاینچل مانده است. البته نیاید تصور کرد که پس از او ناش گال بطور کلی این شهر فراموش شد. زیرا طبقه روحا نیان بزندگی خود در این محل ادامه دادند ولی چون نگهداری زیگورات مستلزم مخارج سنگینی بود کم کم رو بیرانی نهاد در سمت جنوب شرقی زیگورات، آثار دو معبد وجود دارد که برای اینشونینا^{۲۹} خدای بزرگ عیلام وقف شده است درب یکی از معابد دو گانه بطرف داخل زیگورات بازمی‌شود و فقط تا هوقعی مورد استفاده بود که محوطه داخلی زیگورات با خشت پرنشده بود و هنوز صحنه وجود داشت. معبد دوم که بنام معبد تحتانی نامگذاری شده است تجلی گاه خدای بزرگ بود. اولین بار است که معبدی با چنین خصوصیات کشف شده است زیرا در معابد بابل و آشور معمولاً این معبد در بالای زیگورات قرار داشت و میتوان این مورد را بحساب یک رسم مذهبی مختص عیلام بحساب آورد از ویژگیهای دیگر این زیگورات اینکه در سمت چپ پلکان جنوبی اطاقی با یک سکوی خشتمی وجود دارد که رو بروی آن طاقچه‌ای تعییه شده و ممکن

24—Shilhak-inshushinak

25—Pinikir

26—Shutruk-nahunte

27—Kudur-nahunte

28—Humban-numena

است این اطاق استراحتگاه خداباشد که چون از طبقه بالا بپائین نزول میکرد در آنجا باستراحت میپرداخت. چهارده سکوی جایگاه قربانی که از آجر ساخته شده است در جلو درب جنوبی قرار دارد در این محل دو جایگاه مخصوص ملکه و پادشاه نیز احداث شده است. در همین حدود سه معبد کوچک دیگر بنای کرده اند که در زیگورات‌های مشابه از اینگونه معابد اثری نیست یازده معبد دیگر که در جاهای مختلف محل مقدس (تمنس) قرار گرفته هر گز در زیگورات‌های بین النهرين دیده نشده است علت تنوع این معابد هنوز مشخص نیست گمان میرود که این تنوع از عقاید مذهبی گروههای متعددی که اجتماع عیلام را بوجود می‌آورده و نقشی که هر یک از فرق مذهبی داشته‌اند سرچشمه گرفته باشد اهمیت این مذاهب را در طبقه بندهای کشوری واژرونفوذ آنها در سیستم حکومتی ووابستگی آنها به نقاط مختلف کشور عیلام که در عین حال پس از مذهب اصلی آن مذهب در آن نواحی مورد پرستش بوده است باید جستجو کرد. مهمترین این خدایان عبارتند از خدای ایشمه کراب^{۲۹} والله گری ریشا که معبد این دور ضلع شمال غربی محوطه زیگورات واقع است معبد خدای گال^{۳۰} که نزدیک این دو معبد میباشد و بواسیله حصار محاطی در خارج از صحن زیگورات قرار میگیرد حال آنکه دو معبد دیگر بزیگورات نزدیکتر و در داخل محوطه واقع شده است. تصور میرود که ایشمه کراب کم کم ترفع مقام یافته است چه در معبد لیان که هومنان نومنا پدر او نتاش گال آنرا ساخته است الله گری ریشا همسر خدای گال بوده است و حتی در زمان او نتاش گال بانی زیگورات دوران تاشی این الله با تفاق اینشو شیناک و گال خدایان ثلاثة‌ای را تشکیل می‌داده‌اند.

معبد الله پنی کیر که نخستین بار اسم وی در معاهده‌ای^{۳۱}

۲۹-J; hmekerab 30-Gal

۳۱- متن معاهده چنین است: بشنوای الله پنی کیر و شما وای خدایان بهشت گوش فرادارید. تمام شاهان بنده خدایانند یکی بنده خدای آفتاب نان حوتنه و شاهی پرستنده اینشو شیناک من الله شیاشوم و خدای نایبر والله ذاروندی را گواه میکیرم که دشمن نارامسین خصم من است و دوست نارامسین دوست من است من هیتا هستم و کوشش میکنم که شیطان را از سر زمین اکد بیرون برانم. بگذار ما ناساز گاری و اختلاف را کنار بگذاریم و صلح و صفارا حفظ کنیم.

بین نارامسین و هی تا ۳۲ پادشاه عیلام بسرده شده از چهار معبد دیگر که در یک گوشه محل مقدس (تمنس) قرار دارد منشعب نمیگردد واز آنها فاصله دارد. کمی نزدیکتر بزیگورات روی محوطه وسیعی در میان قسمت شمال شرقی محل مقدس و دور تراز معابد نامبرده بالا آثار معابد خدایان هیشمتیک ۳۳ و روهو را تیر ۳۴ موجود است که بنظر هیرسد بطور ویژه در منطقه مال امیر ۳۵ کنونی مورد پرستش بوده‌اند بقایای دو معبد دیگر نظیر معابد هزبور در حیاط تمنس نزدیک درب ورودی جنوب شرقی کشف شده که از معبد خدای گال کوچکتر است، علاوه بر این معابد محرابهایی در نزدیک زیگورات وجود دارد که هیچکدام بنام خدای معینی نیست چهار دستگاه از این محرابها در داخل دیوار محاطی تمنس قرار دارد و دو محراب دیگر روبروی درب ورودی جنوب غربی است که هردو با آجر ساخته شده و رو بروی هم واقع بوده و درست در مجاورت پلکانی است که تا طبقه پنجم امتداد داشت بالاخره آخرین محراب در طبقه اول در جهه شمال شرقی و نزدیک گوشه شمالی زیگورات واقع شده است گیرشمن میگوید مجسمه‌های زیادی از جمله مجسمه مفرغی او نتاش گال و ملکه ناپیر اسو ۳۶ همسرا نتاش گال در زیگورات وجود داشته است ۳۷ زیرا طی کاوش چغازنبیل آجرهای سوراخ داری بدست آمد که مشخص بود جای نصب مجسمه‌ها بوده است. بعید نیست هجسمه ناپیر اسو که در شوش کشف شده است همان مجسمه زیگورات باشد که بوسیله شوتروک-ناحونته بشوش آورده شده است، در گوشه جنوبی شهر آثار دو کاخ و یک دروازه عظیم که باستان‌شناسان بآن نام دروازه شاهی داده‌اند و معبدی که وقف خدای

32- Hitta 33 - Hishmitik 34 - Ruhurtir

۳۵ - مال امیر واينه از بخش‌های شهرستان رامهرمز در خوزستان است.

36 - Napirassu

۳۷ - تنها دو مجسمه سفالی یکی بشکل گاو و دیگری با بدن شیر و سرعتاب از چغازنبیل کشف شده که اولی در موزه ایران باستان و دومی در موزه شوش است.

نسکو ۳۸ شده است وجود دارد قاعدها میباشند بین این دو کاخ ساختمان دیگری وجود داشته باشد . لیکن تمام آثار آن براثر سیلاب از بین رفته است . پرسش خدای نسکو برای اولین بار در دوران تاشی دیده میشود و عبادتگاه بدون سقف آن در خور توجه است .

در زیر یکی از این کاخها آرامگاه باشکوهی در عمق شش متری وجود دارد که یک ردیف پلکان آجری قیراند و آنرا با کاخ هربوط میسازد . این آرامگاه سلاطین عیلام تعلق دارد .

پس از کاوش معلوم گردید که خاندان سلطنتی اجساد مرد ها خود را میسوزانیده اند . سوزانیدن اموات از رسوم ویژه قوم عیلام است و این رسم در انحصار و مختص خاندان سلطنتی بوده است ۳۹ تا کنون قبور سلاطین عیلام تنها در چغازنبیل کشف گردیده و نظیر آن در نقاط دیگر دیده نشده است . مردم عادی بفرآور استطاعت خود دارای قبور آجری خانوادگی با طاق هلالی بودند که نمونه آن همه ساله در شوش کشف میشود . قدمت آخرین قبور خانوادگی مکشوفه شوش به ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد میرسد . اخیراً از این نوع قبور خانوادگی یکی در هفت تپه کشف شد . ۴۰ مردم طبقه پائین دارای قبور حفره ای ساده ای بودند و گاهی اموات را در خمره های بزرگ سفالی دفن میکردند .

موضوع قابل توجه در زیگورات چغازنبیل تأمین آب مورد نیاز است رودخانه دز که در فاصله دو کیلو متری چغازنبیل جریان دارد شصت متر از محوطه بلندی که شهر دوران تاشی را دربر میگیرد پائین تر است بنا براین اهالی شهر نمیتوانستند از آب این رودخانه استفاده کنند از طرفی آب چاه محل،

38 - Nusku

- ۳۹ - کتاب چغازنبیل نوشته دکتر گیرشن .
 ۴۰ - این قبر خانوادگی در سال ۱۳۴۵ بوسیله همکار ارجمند آقای سیف الله کامبخش فرد کشف گردید .

شور و غیر قابل شرب بود^{۴۱} بهمین جهت مهندسین عیلامی برای مشروب کردن شهر از رودخانه کرخه در محل پایه پل کانالی بطول ۵۰ کیلومتر حفر کردند. این کانال تا پشت دیوار اصلی شهر (دیوار سوم) امتداد دارد و در آنجا بیک منبع بزرگ آب منتهی میگردد. این منبع بطول ۱۰ و عرض ۷ و ارتفاع ۵ متر است و از سنگ و ساروج و قیر ساخته شده است. گوئی معماران عیلامی از قانون فیزیکی ظروف مرتبط به اطلاع نبوده‌اند زیرا در عرض جنوبی منبع که در پشت دیوار محاط شهر است، روزنه ساخته‌اند و این روزنه‌ها بدرون شهر راه دارد. هنگامیکه منبع پراز آب بود، پس از تصفیه و تنشست گل و درد به وسیله روزنه‌های فوق الذکر بدرون منبع کوچک دیگری که در آن سوی دیوار یعنی داخل شهر قرار داشت سرازیر هیشد و اهالی بدون اینکه به منبع اصلی کارداشته باشند از آب مورد احتیاج استفاده مینمودند^{۴۲}.

هیچیک از تمدن‌های آسیای میانه برای دسترسی به آب آشامیدنی چنین روشی را بکار نبسته‌اند و این خود شاهد ارزش‌های برای نشان دادن و لیاقت و جرأت معماران عیلامی است.

بطور کلی زیگورات دوران‌تاشی دارای ویژگیهای بیشماری است که آنرا از برجهای بابل که سو مریها و جانشینان آنان سامیها ساخته‌اند تمايز میکند. این خصوصیات در باره محوطه تمنس و مدخلها و معابد ضمیمه آن صادق است و میتوان ادعا کردار یوش بزرگ احتیاجی نداشت برای ساختمان کاخ خود در شوش از فن و شیوه معماری بابل استفاده کند زیرا روش معماري عیلام میتوانست بهترین الهام بخش وی باشد.

۴۱ - ضمن خاکبرداری چنانزیبل، هیأت حفاری اقدام بعثر چاه نمود و تأیت کرد که آب چاه محل شود می‌باشد.

۴۲ - کتاب چنانزیبل نوشته دکتر گیرشمن.